نفت و انرژی

دستورالعمل تازه برای افزایش پاداش کشف ماینرهای غیرمجاز

وزارت نیرو در راستای مقابله با ماینرهای غیرمجاز و مدیریت مصرف انرژی در کشور، دستورالعمل جدیدی را ابلاغ کرده که براساس آن میزان پاداش شناسایی و معرفی مراکز استخراج غیرمجاز رمزارز افزایش یافته و به دو برابر رسیده است. به گزارش زمان به نقل از ایسنا، در سال‌های گذشته استخراج غیرمجاز رمزارزها به یکی از چالش‌های جدی صنعت برق کشور تبدیل شده است. این فعالیت که عمدتاً به دلیل مصرف بالای برق و استفاده از تعرفه‌های یارانه‌ای انجام می‌شود، همزمان با بحران کم‌آبی و کاهش تولید برق نیروگاه‌های برق‌آبی، فشار مضاعفی بر شبکه برق کشور وارد کرده است.

دستگاه‌های استخراج رمزارز که اغلب در خانه‌ها، واحدهای صنعتی متروکه و حتی در برخی ادارات دولتی و مراکز نظامی کشف شده‌اند، علاوه بر افزایش مصرف برق، باعث ناپایداری شبکه و افزایش خاموشی‌ها در تابستان می‌شوند.

بدون تردید استخراج رمزارزها نه تنها به زیرساخت‌های انرژی کشور آسیب می‌زند، بلکه باعث افزایش نارضایتی عمومی نیز می‌شود. به طور مثال قطعی‌های مکرر برق در مناطق مختلف کشور به‌ویژه در فصول گرم سال، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، با ماینرهای غیرمجاز ارتباط دارد. همچنین ماینرهای غیرمجاز می‌توانند کاهش تولید صنعتی و بهره وری را در بسیاری از صنایع را به همراه داشته باشد.

در این راستا، طی سالهای اخیر وزارت نیرو برای مقابله با ماینرهای غیرمجاز و مدیریت مصرف انرژی در کشور، ترکیبی از برنامه‌های تشویقی و تنبیهی را به کار گرفته است. این برنامه‌ها با هدف کاهش مصرف غیرقانونی برق، بهبود کارایی انرژی و تشویق به استخراج قانونی رمزارزها طراحی شده‌اند.

شرکت توانیر برای بهبود و مدیریت شرایط سقف پاداش های پرداختی به معرفی کنندگان مراکز غیر مجاز استخراج رمز ارز را ابتدا از ۵۰ میلیون تومان به ۲۰۰ میلیون تومان و سپس به ۳۰۰ میلیون تومان و پاداش عاملان شناسایی نیز در ازای کشف هر دستگاه ماینر غیرمجاز به ۱۵ میلیون تومان تعیین کرد که شهروندان می توانستند از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۵۱۲۱ آدرس مراکز مشکوک را ارسال کنند.

در این راستا، اخیرا مصطفی رجبی مشهدی- معاون برق و انرژی وزارت نیرو- از ابلاغ دستورالعمل جدید و بازنگری‌شده پرداخت پاداش معرفی مراکز استخراج غیر مجاز رمز ارز خبر داد، اصلاحیه‌ای که با هدف همکاری و تسریع در شناسایی این مراکز، میزان پاداش را به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌دهد.

به گفته وی بررسی‌ها نشان می‌دهد میانگین تعداد ماینرهای کشف‌شده در هر مرکز کمتر از ۱۰ دستگاه است؛ به همین دلیل سازوکار افزایش پاداش بر کشف ۱۰ دستگاه اول متمرکز است.

بر اساس اصلاحیه جدید، پاداش کشف ۱۰ ماینر اول از ۱۵ میلیون تومان به ۳ میلیون تومان برای هر دستگاه و همچنین پاداش ۱۰ ماینر دوم از ۱۵ میلیون تومان به ۲ میلیون تومان به ازای هر دستگاه افزایش پیدا کرده است. براین اساس پاداش کشف ۳۰ تا ۲۰۰ دستگاه، بدون تغییر و به ازای هر ماینر ۱۵ میلیون تومان است. در دستورالعمل جدید، سقف پرداخت پاداش نیز از ۳۰۰ میلیون تومان به ۳۲۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

نحوه محاسبه پاداش‌ها چگونه است؟

پرداخت پاداش‌ها به صورت پلکانی است. به طور مثال در صورت کشف ۲۱ دستگاه ماینر میزان پاداش به این شکل محاسبه می‌شود که ۱۰ دستگاه اول هر کدام ۳ میلیون تومان (۳۰ میلیون تومان) و ۱۰ دستگاه دوم هر کدام ۲ میلیون تومان (۲۰ میلیون تومان). مسئولان معتقدند هدف از اصلاح این دستور العمل را افزایش مشارکت عمومی در شناسایی و جمع‌آوری مراکز استخراج غیرمجاز رمزارز، کمک به پایداری شبکه برق کشور و کاهش ناترازی برق است.

جبران کاهش تولید انرژی در خاورمیانه ۲ سال زمان می‌برد

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی گفت: احیای کاهش تولید انرژی در خاورمیانه بدلیل درگیری‌های نظامی حدود دو سال طول می‌کشد.

به گزارش زمان به نقل از مهر، فاتح بیرول روز جمعه (۲۸ فروردین) در گفت‌وگو با روزنامه سوئیسی «تویه زورشر سایتونگ» بیان کرد: احیای تولیدات انرژی از دست رفته در خاورمیانه بدلیل درگیری‌های نظامی حدود ۲ سال طول خواهد کشید. وی افزود: این اتفاق از کشوری به کشور دیگر متفاوت خواهد بود. برای نمونه در عراق، این زمان بسیار بیشتر از عربستان سعودی به طول می‌انجامد، با این حال پیش‌بینی می‌شود بازگشت تولیدات انرژی به سطوح پیش از آغاز درگیری‌های نظامی در خاورمیانه در مجموع حدود دو سال زمان ببرد. رئیس آژانس بین‌المللی انرژی تصریح کرد: بازارهای جهانی عواقب بسته شدن طولانی مدت تنگه هرمز را دست‌کم گرفته است. بیرول ادامه داد: محموله‌های نفت و گاز که پیش از آغاز جنگ علیه ایران در مسیر رسیدن به مقاصد خود بودند، اکنون به مقصد رسیده‌اند و تأثیر کمبودها را کاهش داده‌اند، اما نفتکش جدیدی در ماه مارس بارگیری نکرده و هیچ محموله نفت، گاز یا سوخت تازه‌ای به بازارهای آسیایی تحویل نشده است.

تاخیر در ابلاغ مصوبه مزدی سیاست غلطی است؛

پرونده مزدی سال ۱۴۰۵ بسته شده است

عضو شورای عالی کار با رد برگزاری جلسه این شورا با موضوع دستمزد ۱۴۰۵ کارگران در هفته جاری گفت: مصوبه مزدی سال ۱۴۰۵ کارگران در اسفند ۱۴۰۴ مصوب شد به قوت خود باقی و پرونده آن بسته شده است.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، اسعد صالحی، عضو شورای عالی کار اعلام کرد: طی هفته‌های آینده شورای عالی کار هیچگونه جلسه‌ای در خصوص مزد سال ۱۴۰۵ نخواهد داشت. وی با تکذیب خبرهایی در این خصوص، افزود: مصوبه مزدی سال ۱۴۰۵ به قوت خود باقی و پرونده آن بسته شده است. این عضو شورای عالی کار ادامه داد: بر اساس اعلام نماینده دولت در جلسه اخیر شورای عالی کار که دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۴۰۵ برگزار شد، به زودی بخشنامه حداقل مزد ۱۴۰۵ جامعه کارگران صادر و ابلاغ خواهد شد. صالحی با بیان این که پرداخت علی‌الحساب حقوق فروردین ماه منتفی است، اظهار کرد: امیدوارم وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اسرع وقت نسبت به ابلاغ بخشنامه مزدی سال۱۴۰۵ اقدام کند؛ در غیر این صورت جامعه کارگری از طریق مراجع رسمی و قانونی پیگیر این موضوع خواهد بود. این عضو شورای عالی کار در پایان تاکید کرد: با توجه به قطعی بودن مصوبه مزد امسال، توصیه می‌شود کارفرمایان محاسبه و پرداخت مزد بر مبنای مصوبه شورای عالی کار را مبنای کار خود در دستمزد کارگران قرار دهند.

میثم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز در خصوص تاخیر در ابلاغ مصوبه مزدی ۱۴۰۵ جامعه کارگران گفت: یک ماه از آغاز سال جدید می‌گذارد و عدم تعیین‌تکلیف ابلاغ مصوبه دستمزد ۱۴۰۵ جامعه کارگری تضییع حقوق کارگران است. وی افزود: به تعویق انداختن ابلاغ مصوبه، سیاست غلطی است که به اعتماد جامعه کارگری آسیب می‌زند. وی ادامه داد: اگر به موضوع ملاحظات جنگی استناد شود، باید گفت خود مصوبه در شرایط جنگی انجام شده و باید تا کنون ابلاغ می‌شد. ظهوریان با اشاره به واحدهای صنعتی آسیب دیده از جنگ رمضان، عنوان کرد: اگر در این خصوص ملاحظاتی وجود دارد باید اصل مصوبه ابلاغ و در ادامه در جلسه آتی شورای عالی کار به موضوع این بنگاه‌ها و استثناهایی که وجود دارد، پرداخته می‌شد. بنابراین، در ایام پرداخت حقوق اینکه ابلاغ مصوبه‌ای تحت فشار برخی دستگاه‌ها به تاخیر افتد، نمی‌تواند سیاست درستی باشد.این نماینده مجلس شورای اسلامی در پایان تاکید کرد: بر اساس حقوق عرفی، مراجع تصمیم‌گیر موظف هستند در زمان معقول اداری که حداکثر یک هفته است در خصوص یک مصوبه، صورتجلسه آن را تنظیم و ابلاغ کنند.

در سیصد و چهل و یکمین جلسه شورای عالی کار از سوی ۳ ضلع این شورا (نمایندگان جامعه کارگری، کارفرمایی و دولت) حداقل دستمزد ۱۴۰۵ جامعه کارگری برای حداقل‌بگیران ۶۰ درصد و برای سایر سطوح ۴۵ درصد تعیین و مصوب شد. به گفته وزیر کار قرار بود این مصوبه پس از تعطیلات نوروز ابلاغ شود که اینگونه نشد. در ادامه پس از نخستین جلسه شورای عالی کار در سال ۱۴۰۵ مقرر شد، این مصوبه چهارشنبه هفته گذشته ۲۶ فروردین ماه از سوی دولت، ابلاغ شود که باز هم با تاخیر همراه شده است.

پویش جان‌فدا؛ فرصتی برای توسعه امنیت‌ساز اقتصاد ایران

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند، «پویش جانفدا» را یکی از مصادیق حکمرانی خوب دانست و گفت: این پویش نشان داد که زمینه‌های خوبی برای مشارکت مستقیم مردم در عرصه‌های مختلف به ویژه حوزه اقتصادی دارد.

به گزارش زمان به نقل ازمهر، سیدطه‌حسین مدنی خاطرنشان کرد: حکمرانی خوب (Good Governance) نوعی شیوه مدیریت و اداره کشور است که در آن، دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی به‌صورت شفاف، پاسخگو، مشارکتی و عادلانه با یکدیگر همکاری می‌کنند تا اهداف مشترکی مانند توسعه پایدار، رفاه عمومی و ... محقق شود. حکمرانی خوب دارای ویژگی‌های کلیدی مانند مشارکت مردم، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، کارایی، عدالت و اجماع‌گرایی است.مدنی با بیان اینکه مشارکت مردم یکی از ویژگی‌های اصلی حکمرانی خوب است، تصریح کرد: در جمهوری اسلامی به این موضوع با توجه به اصل جمهوریت نظام توجه خاصی شده و همواره به مشارکت عموم در موضوعات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اهمیت زیادی داده شده است که در دنیا کم نظیر است.رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند با بیان اینکه پیوند میان مردم و حاکمیت در چارچوب حکمرانی خوب، به افزایش عناصر اصلی سرمایه اجتماعی منجر می‌شود، گفت: پیوند میان مردم و حاکمیت در کشور ما همواره نتایج درخشانی رقم زده است و امامین انقلاب همواره به این پیوند اشاره و از آثار و برکات آن گفته‌اند. همانطور که رهبر شهید انقلاب پیش از شهادت حتی سخن از «بعثت مردم» به میان آوردند که این شبها در میادین و خیابان‌ها شاهد آن هستیم و در پیام نوروزی رهبر سوم انقلاب هم به این مهم اشاره ویژه‌ای شده است.

مدنی در ادامه با اشاره به پویش جان‌فدا به عنوان یکی از مصادیق حکمرانی خوب و مشارکت گسترده مردم، اظهار کرد: آمار مشارکت مردم در این پویش، ۱۹ روز پس از راه‌اندازی از ۲۷ میلیون نفر عبور کرده و پیش‌بینی می‌شود در ادامه به ۳۰ میلیون نفر هم برسد. وی افزود: این میزان مشارکت، نشان می‌دهد که مردم همانطور که همیشه در شرایط مختلف ثابت کرده‌اند، از آمادگی خوبی برای مشارکت در عرصه‌های مختلف برخوردار هستند و حاکمیت باید برای این پیوستگی و انسجام، برنامه مدونی در حوزه‌های اقتصادی به ویژه توسعه امنیت‌ساز و بازدارنده ترسیم کند تا از این نعمت به خوبی استفاده شود. رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند به تجربه جنگ رمضان اشاره و خاطرنشان کرد: دشمن در این جنگ ابرصنایعی چون فولاد و یا شرکت‌های پتروشیمی را هدف قرار داد. این یعنی آنها هیچ ابایی در هدف قرار دادن زیرساخت‌های اقتصادی ندارند و بنابراین ما باید در برابر چنین دشمنی به حدی از قدرت تدافعی و تهاجمی برسیم که از بازدارندگی کافی برخوردار باشد. البته که نیروهای مسلح در این مدت پاسخ متناظر و محکمی به این تجاوزات دادند و امروز تقریبا هیچ پایگاه سالمی برای دشمن در منطقه باقی نمانده است؛ ولی مشارکت دادن مردم در این بازدارندگی می‌تواند ما را به سطح بسیار بالاتری برساند.

مشارکت مردم در ساخت موشک

مدنی با بیان اینکه قدرت نظامی ضامن خاک و سرزمین و اقتصاد کشور است، افزود: مردم در تجمعات اخیر از ارقام بسیار پایین تا میلیاردی، مبالغی برای کمک به جبهه مقاومت پرداخت کرده‌اند. این نشان می‌دهد که مردم اقبال بسیار خوبی به این موضوع دارند. این اقبال در کنار اعداد شگفت‌انگیز مشارکت در پویش جان‌فدا، پیشنهاد می‌شود در بعد نظامی، صندوق‌هایی با ساز و کار نظارتی مشخص تعریف شود تا مردم بتوانند مبالغ مورد نظر خود برای پروژه‌های نظامی را به آن واریز کنند.رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند تصریح کرد: علاوه بر ابعاد نظامی، ما می‌توانیم از این انسجام و همبستگی برای پیشبرد پروژه‌های کلان اقتصادی به ویژه پروژه‌های امنیت‌ساز هم بهره ببریم تا هم موجب تسریع در اجرای پروژه‌ها شود و هم منافع آن به مردم بازگردد.

با پروژه‌های امنیت‌ساز، منافع جهان را به امنیت ایران گره بزنیم

وی با بیان اینکه حوزه حمل و نقل و ترانزیت یکی از زمینه‌هایی است که می‌توان در این مقوله جای داد، تصریح کرد: تجربه مدیریت هوشمند تنگه هرمز و آثاری که این ویژگی جغرافیایی برای ایران به دنبال داشت یکی از نمونه‌هایی است که جایگاه حمل و نقل و ترانزیت جهانی را به خوبی نشان داد. ایران با استفاده از این موقعیت جغرافیایی نشان داد که امنیت غذایی جهان، صنعت مدرن، فناوری، بهداشت و انرژی بدون وجود امنیت در خلیج فارس معنا ندارد. حال فرض کنید ما مسیرهای کریدوری از جمله کریدور شمال-جنوب و مسیر شرقی-غربی و بنادر مهم از جمله بندر اقیانوسی چابهار را آنقدر توسعه دهیم که منافع جهان مانند آنچه در تنگه هرمز رقم خورد؛ به این مسیرها و امنیت ایران گره بخورد.

جمع‌سپاری مالی و تجربه کانال سوئز

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند درباره اینکه مردم چگونه می‌توانند در این زمینه مشارکت کنند، تصریح کرد: ابزار تأمین مالی جمعی با crowdfunding یکی از ابزارهایی است که در دنیا مورد استفاده قرار گرفته و در کشور ما نیز با توجه به زمینه‌هایی که به آن اشاره شد؛ می‌تواند موثر باشد. این ابزار، امکان تأمین مالی پروژه‌های بسیار بزرگ با تجمیع سرمایه‌های خرد، راکد و غیرمولد مردم را فراهم می‌کند. البته در کشور ما مشابه این ابزار در صندوق پروژه‌ها طراحی شده که با اخذ مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار عملیاتی است و امکان جذب سرمایه خواهند داشت؛ اما این تمام ماجرا نیست. وی توضیح داد: کانال سوئز در مصر یکی از پروژه‌هایی است که پس از سال‌ها معطلی به دلیل عدم همکاری کشور فرانسه، با همین روش و تجمیع سرمایه‌های مردمی به بهره‌برداری رسید و باعث شد این سرمایه‌ها به یک پروژه مهم ملی در سطح جهان و سودآور برای مردم این کشور و تمامی بهره‌برداران از آن تبریق شود. مدنی با بیان اینکه وزارت اقتصاد حتما باید بر ابزارهای نوین تأمین مالی به خصوص جمع‌سپاری تمرکز ویژه‌ای داشته باشد و با برنامه‌های دقیق و سامانه‌های مطمئن، این امکان را گسترش دهد؛ گفت: موضوعات متعددی در کشور وجود دارد که می‌تواند با این روش به ثمر برسد. مثلاً در بندر چابهار سال‌هاست معطل سرمایه‌گذار خارجی (همان کشور میزبان ناوشکن دنا) که اتفاقا ارتباطات خوبی هم با رژیم صهیونیستی دارد؛ هستیم و با ادامه رویکرد فعلی، احتمال دنباله‌دار شدن این معطلی طی سال‌های آتی، دور از ذهن نیست. با توجه به سرمایه بیش از ۹۰۰۰ همتی مردم در کشور، آیا امکان جمع‌سپاری مالی مشابه آنچه در کانال سوئز اجرا شد؛ برای توسعه بندر چابهار، مسیرهای ترانزیتی شمال به جنوب، زیرساخت‌های تولید برق نوین و... در ایران وجود ندارد؟

مدنی در پایان گفت: پویش جان‌فدا و حضور مداوم مردم در میادین و خیابان‌ها، نشان داد که مردم پای کار انقلاب ایستاده‌اند و آماده‌اند به هر طریقی در راستای دفاع از کشور و انقلاب مشارکت کنند. امروز با توجه به انسجام و همبستگی ویژه در بین آحاد ملت، این مشارکت را می‌توان به صورت واریز مبالغی برای توسعه هرچه بیشتر صنایع تهاجمی و مدافع اقتصاد ایران چون موشک، پهپاد و... تعریف کرد و حتی فراتر از آن، با جمع‌سپاری مالی، ساز و کاری تعریف کرد تا این مبالغ به سمت توسعه امنیت‌ساز رفته و البته منافع آن به صورت درآمد، به مردم بازگردد.

پیشنهاد تشکیل کارگروه مشترک برای حل مشکل بنگاه‌ها

یک عضو اتاق تهران با اشاره به آسیب بنگاه‌های اقتصادی در دوران جنگ و رکود بازار، بر ضرورت حمایت دولت از جمله تعویق یا تقسیط مالیات و بیمه تاکید کرد و خواستار تشکیل کارگروه مشترک دولت و بخش خصوصی برای شناسایی مشکلات و ارائه راهکارهای عملی در جهت حفظ تاب‌آوری کسب‌وکارها شد.

به گزارش زمان به نقل ازایسنا، مهراد عباد درباره اقدامات ضروری که در شرایط فعلی دولت باید برای حمایت از بنگاه‌ها در دستور کار قرار دهد، اظهار کرد: بسیاری از بنگاه‌ها در ایام جنگ آسیب دیدند. بخش از این آسیب‌ها فیزیکی بوده و بخش دیگر آسیب مادی و معنوی بوده یعنی فقط این نبوده که مورد اصابت قرار گرفته باشند. او ادامه داد: خیلی شرکت‌ها دچار آسیب‌هایی مادی به دلیل رکود بازار شدند البته یکسری صنایع مثل قبل به شکل روتین فعالیت‌شان را ادامه دادند، مثل صنایع غذایی و صنایع دارویی که عملا کارشان هیچ اختلالی نداشت اما در حوزه‌های دیگر که تخصصی تر بود بنگاه‌های مختلف آسیب‌هایی دیدند. این عضو اتاق تهران تصریح کرد: دولت حتما می تواند کمک کند و خود بخش خصوصی هم این امکان را دارد که به عنوان مسئولیت اجتماعی اقداماتی انجام دهد تا تعدیل نیرو در حداقل خودش اتفاق بیفتد. نیروی انسانی سرمایه مهمی است اما برخی بنگاه‌ها به دو دلیل تعدیل را انجام داده‌اند. یکی اینکه در این مدت خیلی از کسب و کارها نتوانستند فعالیت داشته باشند. از طرف دیگر افزایش حقوق‌ها که به تورم نزدیک شد باعث شد تا هزینه کارفرما افزایش یابد. در اینجا بخش خصوصی باید سعی کند تاب آوری اش را افزایش دهد و به نوعی دوام بیاورد و نیروی انسانی خود را حفظ کند و از طرفی دولت هم می‌تواند خیلی کمک کند.عباد در بخش دیگری از صحبت هایش عنوان کرد: تا الان هم دولت کمک کرده اما لازم است که کارهای بیشتری انجام شود. بنگاه دارها در حوزه‌های مختلف برای‌شان مسئله ایجاد شده است. مثلا در حوزه تامین اجتماعی کمکی که می تواند انجام دهد این است که بیمه دیرتر پرداخت یا مبالغ کمتری پرداخت شود و یا به صورت اقساطی باشد. در بحث مالیات‌ها هم می‌تواند با تاخیرهای بیشتری دریافت کند. البته خیلی از اقداماتی که بخش خصوصی باید انجام می داد را عقب انداختند اما باز هم لازم است به تعویق بیفتد و زمانی که لازم است پرداخت شود. به طوری که با اقساط بلند مدت به بخش خصوصی کمک شود. عباد افزود: در حوزه تجارت خارجی لازم است که تسهیلات بیشتری قائل شوند. در حوزه واردات هزینه های حمل و بیمه کشتیرانی به خصوص در خلیج فارس خیلی زیاد شده و خیلی از کالاها در گمرکات کشورهای خلیج فارس مانده است. مسائل خیلی زیاد است و دولت و بخش خصوصی باید با کارگروهی که تشکیل می‌دهند تمامی این مشکلات را احصا و برایش راهکار پیدا کند. همچنین موضوع اینترنت مشکل دیگری است. چون اقتصاد ما خیلی دیجیتالیزه شده و خیلی از ارتباطات داخلی و خارجی مان با اینترنت انجام می‌شود. البته از دیروز مقداری باز شد که امیدواریم وقتی امنیت کامل برقرار شد اینترنت به صورت قبل باز گردد.

نگاه روز

هدف ترامپ از تهدید ایران به محاصره دریایی چیست؟

محاصره، دستاورد اقتصادی آتش‌بس را هم نابود می‌کند

پس از شکست مذاکرات ۲۱ ساعته اسلام‌آباد، ترامپ تهدید کرد نیروی دریایی آمریکا روند «محاصره» تنگه هرمز را آغاز می‌کند و هر کشتی‌ای را که به ایران عوارض داده باشد، رهگیری خواهد کرد. اجرای این تهدید برای خود واشنگتن نیز پرهزینه و به منزله شروع مجدد جنگ خواهد بود. این تهدید را باید واقعی اما عمدتا ابزاری دانست؛ ابزاری برای فشار بر ایران در پنجره دو هفته‌ای مذاکرات، نه گزینه‌ای کم‌هزینه و مطلوب برای آمریکا. شروع مجدد جنگ به سود آمریکا نیست، بنابراین ایران نباید از این تهدید بترسد و در مقابل باید در عرصه رسانه و میدان نشان دهد که هر اقدام از جنس رهگیری و محروم‌کردن ایران از صادرات خود، بازگشت به مسیر جنگ است، نه اجرای آتش‌بس.

تهدید تازه ترامپ به محاصره دریایی ایران مستقیما پس از شکست گفتگوهای اسلام‌آباد مطرح شد؛ گفتگوهایی که به گزارش رویترز و آسوشیتدپرس، پس از حدود ۲۱ ساعت مذاکره بی‌نتیجه ماند و عمده اختلاف‌ها بر سر پرونده هسته‌ای ایران و مسئله هرمز باقی ماند. ترامپ پس از این شکست اعلام کرد آمریکا «فوراً» محاصره دریایی را آغاز می‌کند، کشتی‌هایی را که به ایران عوارض داده‌اند رهگیری خواهد کرد و مین‌های گاز‌گذاشته‌شده را نیز از بین می‌برد. این ترتیب وقایع نشان می‌دهد که تهدید هرمز، از همان ابتدا فقط یک موضوع دریایی مستقل نبود؛ بلکه به‌عنوان اهرم فشار پس از ناکامی مذاکرات وارد میدان شد. این نکته مهم است، چون نشان می‌دهد آمریکا از هرمز برای شکستن بن‌بست در موضوع هسته‌ای و شروط مذاکره استفاده می‌کند. خود ترامپ هم در هر دو پیام، پس از تمام لفاظی‌های مربوط به هرمز، دوباره به این گزاره برگشته که «تنها مسئله مهم، هسته‌ای است». در نتیجه، محاصره را باید بیش از آنکه طرحی مستقل برای نظم دریایی منطقه دانست، بخشی از فشار حداکثری برای امتیازگیری در مذاکرات فهمید. محاصره کامل هرمز فقط با یک فرمان سیاسی محقق نمی‌شود و به اقداماتی نیاز دارد که قواعد درگیری را تغییر می‌دهد. اگر آمریکا بخواهد جلوی عبور کشتی‌های ایرانی را بگیرد یا شناورهایی را که تحت ترتیبات ایران از هرمز عبور می‌کنند رهگیری کند، این دیگر تنها «تأمین آزادی کشتیرانی» نیست؛ ورود به یک سطح تازه از درگیری مستقیم با ایران است. همین موضوع است که آتش‌بس شکننده را بلافاصله در معرض فروپاشی قرار می‌دهد. از این منظر، اجرای کامل تهدید ترامپ نه ادامه طبیعی آتش‌بس، بلکه بازگشت به مسیر تشدید جنگ است. همین جا تناقض اصلی تهدید ترامپ آشکار می‌شود. اگر ادامه روند پیش از آتش‌بس و تشدید فشار نظامی برای آمریکا گزینه‌ای مطلوب و کم‌هزینه بود، اساسا دلیلی برای تن دادن به آتش‌بس دو هفته‌ای و ورود به مذاکرات وجود نداشت. خود رویترز پیش‌تر گزارش داده بود که تهدید به شوک نفتی و محدود بودن ابزارهای آمریکا برای جذب آن، یکی از ملاحظات مهم واشنگتن در جنگ بوده است. آتش‌بس نیز دقیقا زمانی اعلام شد که امید به کاهش فشار بر بازار انرژی شکل گرفت. از این زاویه، محاصره کامل دریایی ایران در تنگه هرمز چیزی نیست که آمریکا بتواند همزمان آن را بخواهد و از تبعاتش مصون بماند. چنین اقدامی همان روندی را دوباره زنده می‌کند که خود واشنگتن چند روز قبل برای توقف آن وارد فاز آتش‌بس شده بود. بنابراین، تهدید را باید جدی گرفت، اما نه به‌معنای آنکه آمریکا بی‌توجه به این تناقض‌ها واقعا عاقدمنده به اجرای کامل و پایدار آن باشد. از نظر اقتصادی نیز این تهدید برای آمریکا مطلوب نیست. بازار نفت پس از اعلام آتش‌بس دقیقا به این دلیل آرام شد که معامله‌گران انتظار داشتند تنگه هرمز دوباره باز شود و خطر کمبود عرضه کاهش یابد. گزارش‌های هم‌زمان نشان می‌دادند قیمت نفت در بازارهای جهانی مستقیما به امید بازگشایی پایدار هرمز و توقف جنگ گره خورده است. حالا اگر آمریکا خود وارد فاز محاصره، رهگیری کشتی‌ها و برخورد دریایی شود، عملا همان منطق آرامش‌بخش آتش‌بس را از بین می‌برد.

به بیان روشن‌تر، تهدید ترامپ فقط ریسک ژئوپلیتیک را بالا نمی‌برد؛ به‌خودی‌خود یک عامل افزاینده قیمت است. بازار برای اینکه هرمز باز بماند و جریان عرضه دوباره عادی شود، قیمت‌ها را پایین آورد. هر اقدامی که این انتظار را مخدوش کند، دوباره ریسک کمبود عرضه و جهش قیمت را به بازار بازمی‌گرداند. در نتیجه، عملیاتی شدن این تهدید، بخشی از مهم‌ترین دستاورد اقتصادی آتش‌بس را برای خود آمریکا و متحدانش بر باد می‌دهد. به همین دلیل، صورت‌بندی دقیق‌تر این است که تهدید ترامپ واقعی اما عمدتا ابزاری است. واقعی است، چون آمریکا توان آن را دارد که سطحی از فشار دریایی، مین‌روبی، اسکورت و رهگیری را اعمال کند و نشانه‌های اولیه این آمادگی نیز دیده شده است. اما عمدتا ابزاری است، چون اجرای کامل آن برای خود واشنگتن هم پرهزینه، جنگ‌زا و ضدمنفعت اقتصادی است. این تهدید بیش از هر چیز برای آن طراحی شده که ایران در پنجره کوتاه مذاکرات از مواضع خود، به‌ویژه در پرونده هسته‌ای و مسئله هرمز، عقب بنشیند. در چنین وضعی، برای ایران مسئله فقط رد یک تهدید لفظی نیست. اگر آمریکا در جنگ نتوانسته اراده خود را به ایران تحمیل کند و ناچار شده به آتش‌بس و مذاکره تن دهد، عقب‌نشینی از اهرم هرمز تنها در برابر فشار لفظی، به معنای واگذاری دستاوردی است که پیش از آغاز مذاکرات به دست آمده است. از این منظر، تهدید جدید را باید نشانه آن دانست که طرف مقابل می‌کوشد پشت میز مذاکره همان چیزی را بگیرد که در میدان نگرفته است. در این چارچوب، پاسخ ایران باید مبتنی بر دو اصل باشد: نخست، نپذیرفتن این صورت‌بندی که محاصره احتمالی آمریکا «اجرای آزادی کشتیرانی» است؛ و دوم، نشان دادن عملی اینکه هر اقدام از جنس رهگیری و محروم‌کردن ایران از صادرات خود، بازگشت به مسیر جنگ است، نه اجرای آتش‌بس. این موضع فقط در سطح میدان اهمیت ندارد؛ در سطح سیاسی و رسانه‌ای هم مهم است، چون آمریکا تلاش می‌کند کنترل ایران بر هرمز را در قالب «اخاذی» و «نقض حقوق بین‌الملل» بازتعریف کند.

تهدید ترامپ را نباید بی‌اهمیت شمرد، اما نباید آن را هم به‌عنوان گزینه‌ای مطلوب و پایدار برای آمریکا فهمید. روی زمین، اجرای کامل آن خطر شروع دوباره جنگ را بالا می‌برد و همان آرامشی را که آتش‌بس برای بازار نفت ایجاد کرده بود از بین می‌برد. بنابراین این تهدید بیش از هر چیز برای شکستن موضع ایران در مذاکرات طراحی شده است.

Alborz.payam@gmail.com